


## The System of Human Needs in the Light of the Prayerful Interpretation of the Verse "Antam al-Faqarah" 'Using the Prayers of Sahifa Sajjadiyeh

**Mohammad Hossein Bayat** 

Professor of Sciences and Quran and Hadith, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

**Zahra Madouye Zarei** 

PhD student, Allameh Tabataba'i University, Faculty of Theology and Islamic Studies, Tehran, Iran

### Abstract

Among the attributes that the Holy Qur'an describes human beings with is the attribute "poverty", which is mentioned in verse 15 of Surah Fatir with the phrase "Antam al-Faqara". In order to know the poor man, one must know the examples of poverty, so that by knowing the examples of the highest needs of the human being, it is also possible to find the solutions to meet the needs. Referring to the following interpretations of this verse, they only provide generalities about the types of poverty and do not clarify the exact examples and dimensions of need, but the main question is what are the examples of this poverty and need. Prayers, including the fruitful prayers of Sajjadiyyah, express more precise examples of poverty, and in the light of the prayer interpretation of the verse, the system of human needs is known, a system that can be categorized into needs at a glance, including: basic needs such as sustenance, energy, motivation : such as forgiveness, hope, humanity, and performance such as insight, obedience, trust, remembrance, and other needs, including: mercy,


\* Corresponding Author: z.zareei.m@gmail.com


**How to Cite:** Bayat, M. H. Madouye Zarei, Z. (2023). The System of Human Needs in the Light of the Prayerful Interpretation of the Verse "Antam al-Faqarah" 'Using the Prayers of Sahifa Sajjadiyeh, *A Research Journal on Qur'anic Knowledge*, 14(52), 1-28.

forgiveness, and love. This research aims to analyze the thematic content and by collecting the materials in a library form, to deal with the prayerful interpretation of this verse and draw a type of system of needs, using the prayers of the scriptures, and clarify the capacity of this type of interpretation to the best of its ability.

**Keywords:** Prayer Interpretation, Poor People, System Of Needs, Examples Of Poverty.

## نظام نیازهای انسان در پرتو تفسیر نیایشی آیه «انتم الفقراء» با بهره‌گیری از نیایش‌های صحیفه سجاده

محمد حسین بیات  استاد علوم و قرآن و حدیث دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

زهرا مدوئی زارعی  \* دانشجوی دکتری دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، تهران، ایران

### چکیده

از جمله اوصافی که قرآن کریم انسان را بدان وصف می‌کند صفت «فقر» است، که در آیه ۱۵ سوره فاطر با عبارت «انتم الفقراء» از آن یاد شده است. برای شناخت انسان فقیر باید مصادیق فقر را شناخت، تا هم با شناخت مصادیق اوج احتیاج انسان نمایانده شود و هم به راهکارهای رفع نیازها برسد. مراجعه به تفاسیر ذیل این آیه تنها کلیاتی در باب انواع فقر به دست می‌دهند و مصادیق دقیق و ابعاد نیازمندی را روشن نمی‌سازند، اما سؤال اصلی این است که مصادیق این فقر و نیازمندی چیست. نیایش‌ها، از جمله نیایش‌های پربار صحیفه سجاده، مصادیق دقیق‌تری از فقر را بیان می‌کنند و در پرتو تفسیری نیایشی آیه، نظام نیازهای انسان شناخته می‌شود، نظامی که در یک نگاه قابل دسته‌بندی به نیازها، از جمله: نیازهای بنیادین مانند روزی، نیرو، انگیزشی: مانند عفو، امید، انس و عملکردی مانند بصیرت، اطاعت، توکل، ذکر و فرانیازها، از جمله: رحمت، بخشش و محبت هستند. این پژوهش بر آن است تا با روش تحلیل محتوای مضمونی و با گردآوری مطالب به صورت کتابخانه‌ای، به تفسیر نیایشی این آیه و ترسیم یک نوع از نظام نیازها، با کاربست نیایش‌های صحیفه بپردازد و ظرفیت این نوع تفسیر را در حد توان خویش روشن سازد.

**کلیدواژه‌ها:** تفسیر دعایی، تفسیر نیایشی، انتم الفقراء، نظام نیازها، مصادیق فقر.

## ۱. مقدمه

### ۱-۱: تفسیر نیایشی؛ روشی نو و قابل توجه در فرآیند فهم قرآن کریم

تفسیر قرآن کریم، که راه رسیدن از کلام خدا به مراد خداست، از صدر اسلام شکل گرفته و روش «تفسیر روایی» به عنوان قدیمی‌ترین منهج تفسیر قرآن، همواره مورد توجه مسلمانان بوده و هست. چرا که از صدر اسلام روایات تفسیری همواره یکی از گنجینه‌های ارزشمند در مسیر فهم قرآن بوده است.

«تفسیر روایی» به عنوان یک گونه تفسیری عبارت است از: بهره‌گیری از سخنان و سیره معصومان علیهم‌السلام به عنوان مهم‌ترین منبع در فرآیند فهم آیات قرآن. (مسعودی، ۱۳۹۵: ص ۱۸) این روش تفسیری را در یک نگاه به دو گونه «مستقیم» و «غیر مستقیم» (فاکر میدی، ۱۳۹۴: ص ۱۷) و در تقسیم‌بندی دیگری به دو گونه «محض» و «جامع» (مسعودی، ۱۳۹۵: ص ۱۹) تقسیم کرده‌اند. «تفسیر نیایشی» یا «تفسیر دعایی»، که از گونه‌های تفسیر روایی است، عبارتند از پیمایش در گستره ادعیه و مناجات‌های معصومان علیهم‌السلام برای رسیدن به مراد الهی از آیات قرآن (فاکر میدی، ۱۳۹۴: ص ۱۸). تفسیر نیایشی، در واقع کاربست نیایش‌های معصومان علیهم‌السلام در فرآیند فهم آیات است، و با توجه به مآثور بودن ادعیه، زیرمجموعه تفسیر روایی محسوب می‌شود. هر چند که ظرفیت فراوانی برای مطرح شدن به عنوان یک سبک تفسیری مستقل، در کنار دیگر مناهج تفسیری را دارد.

اگر عبارات نیایش به طور مستقیم به آیات اشاره داشته باشند در زمره تفسیر روایی محض یا مستقیم قرار می‌گیرند، اما بسیاری از عبارات نیایش‌ها، بدون این که اشاره مستقیمی به آیات داشته باشند، تفسیر آیات قرآن محسوب می‌شوند و از منابع تفسیر روایی جامع یا غیر مستقیم هستند. در نگاهی کلان، می‌توان «تمام میراث روایی نیایشی» را تفسیر قرآن کریم دانست، که به مناسبت‌های گوناگون و طی دوران‌های مختلف از معصومان علیهم‌السلام صادر شده است. اما آنچه باید انجام گیرد، بررسی نیایش‌ها و پیدا کردن ارتباط آنها با آیات مختلف است، تا تفسیری عمیق و دقیق از آیات قرآن با نظر به نیایش‌ها داشته باشیم و این امری است که تا کنون آن گونه که شایسته و بایسته است مورد توجه

نظام نیازهای انسان در پرتو تفسیر نیایشی آیه «انتم الفقراء» با ...؛ بیات و مدوئیه زارعی | ۵

قرار نگرفته است و این گنجینه همچنان بکر است.

استاد محترم، دکتر فاکر میبیدی، با تدوین کتاب «تفسیر نیایشی و ستایشی قرآن کریم (تفسیر آیات قرآن به وسیله ادعیه صحیفه سجاده)» گامی ارزشمند در پی‌ریزی این نوع از تفسیر برداشته‌اند که ان شاء الله با توسعه این روش و روش‌مند کردن آن بتوان از کارکردهای فراوان آن بهره جست.

### ۲-۱ بیان مسئله

یکی از اوصافی که قرآن کریم انسان را بدان توصیف کرده، صفت «فقر و نیازمندی در مقابل خداوند» است. فقر و مشتقات آن ۱۴ مرتبه در قرآن کریم به کار رفته و در دو آیه به وصف «انتم الفقراء» اشاره شده است: آیه ۱۵ سوره فاطر: «يا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» و آیه ۳۸ سوره محمد: «ها أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تُدْعَوْنَ لِتُفَقُّوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمِنْكُمْ مَنْ يَبْخُلُ وَمَنْ يَبْخُلْ فَإِنَّمَا يَبْخُلْ عَنِ نَفْسِهِ وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَأَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ وَإِنْ تَتَوَلَّوْا يَسْتَبَدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ»، که در آیه ۱۵ سوره فاطر، به دلیل مخاطب قرار دادن «یا ایها الناس»، عمومیت این «فقر» را برای همه انواع بشر به تصویر می‌کشد.

آنچه در مورد فراز «انتم الفقراء» در این آیه جای طرح دارد، سؤال از چیستی و چگونگی این فقر و مصادیق عینی آن است. بدون شک، انسان در مقابل خداوند فقیر مطلق است و در تمام وجود خویش بدو نیازمند، اما برای درک عینی‌تر این فقر و محسوس و ملموس شدن آن برای انسان، نیاز به تعیین مصادیق فقر است، تا با توجه به مصادیق و تکثر آن، انسان درک صحیح‌تری از اوج نیازمندی خود به خداوند در ابعاد مختلف وجودی خویش داشته باشد و عرصه‌های عرض نیاز را بهتر بشناسد. زیرا هر چه عرصه‌ها و ابعاد و مصادیق فقر انسان روشن‌تر شود، شناخت وجوه نیازمندی روشن‌تر شده و لزوم مراجعه انسان به درگاه خداوندی برای رفع نیازمندی را نمودارتر می‌سازد. برای دریافت تبیین بهتری از مراد «انتم الفقراء»، اولین مرحله، مراجعه به تفاسیر متعدد (شیعه و اهل سنت) ذیل آیه است. با مراجعه به تفاسیر مختلف ذیل آیه، روشن می‌شود که عمده مفسران در تفسیر فقر، بحث ذاتی انسان در مقابل خداوند را مطرح کرده‌اند و تنها به برخی مصادیق کلی آن، و نه مصادیق جزئی، بسنده کرده‌اند، اما بیان مصادیق عینی‌تر و جزئی‌تر فقر را در

دستور کار خود ندیده‌اند. از این رو تعیین مصادیق عینی و جزئی فقر همچنان مسکوت می‌ماند و این سؤال به قوت خود باقی است که: مجموعه نیازهای انسان در مقابل خداوند به تبیین تفصیلی چیست و تحت چه نظامی قابل ترسیم است؟ برای پاسخ به این سؤال باید به دنبال منبع معتبر دیگری برای تعیین این مصادیق و تبیین تفصیلی تری نسبت به این فراز بود. از آنجا که دومین منبع معتبر، بعد از قرآن کریم، روایات معصومان علیهم السلام است، مرحله دوم برای فهم بهتر آیه، مراجعه به روایات خواهد بود و از آنجا که ادعیه، به طور خاص، عرض نیاز انسان به درگاه خداوندی است، می‌تواند یکی از بهترین منابع برای شناخت عرصه‌های مختلف نیازمندی انسان باشد. در بین ادعیه، صحیفه سجاده‌ای مجموعه‌ای منسجم و نظام‌مند است که می‌تواند به عنوان یکی از بهترین گزینه‌ها برای تفسیر نیایشی این آیه باشد و مروری بر فرازهای عمیق این کتاب عظیم، مصادیق این فقر را بر انسان روشن می‌کند. هر چند صحیفه، به حکم دعا بودنش (که دعا از درک نیاز انسان به خدا و عدم امکان بی‌نیازی از او سرچشمه می‌گیرد) سر تا سر، نمایان‌گر فقر انسان در مقابل خداوند است، اما در این پژوهش سعی بر تدوین یک نمونه از نظام‌های نیازهای انسان از خلال آموزه‌های صحیفه است.

با جستجویی در کتب، پایان‌نامه و مقالاتی که درباره این موضوع نوشته شده به دست آمد که درباره موضوع فقر در صحیفه، تنها چند مقاله به طور مستقل تدوین شده‌اند، از جمله مقاله «تبیین معنای فلسفی فقر و غنا در صحیفه سجاده‌ای» و مقاله «مفهوم عرفانی فقر در ادعیه صحیفه سجاده‌ای» که این دو مقاله نیز با بررسی کلی بحث فقر در صحیفه، به دو فقر ممدوح و مذموم و تعریف هر یک رسیده‌اند و بررسی مصادیق فقر انسان نسبت به خداوند که فقر ممدوح است و نگاه تفسیری و تفصیلی به این موضوع نسبت به آیات قرآن در برنامه این پژوهش‌ها نبوده است. از این رو در این پژوهش برآنیم تا با بررسی نیایش‌های سجاده‌ای به روش تحلیل محتوای مضمونی، ابتدا با مروری بر تمام ادعیه صحیفه، مضامین پایه‌ای مرتبط با نیاز انسان را استخراج و سپس در مرحله بعد مضامین سازمان‌دهنده و سپس مضامین فراگیر را با نظر به مضامین پایه‌ای تنظیم و تحلیل کرده و تحت یک نظام، با عنوان نظام نیازهای انسان، سامان دهیم، که می‌تواند نمونه‌ای از نظام نیازهای انسان باشد. این مقاله مستخرج از رساله دکتری با موضوع «تأثیر نظام‌مند اعمال انسان بر عالم

نظام نیازهای انسان در پرتو تفسیر نیایشی آیه «انتم الفقراء» با ...؛ بیات و مدوئیه زارعی | ۷

هستی، از منظر صحیفه سجادیه» است. در بخشی از رساله، با بررسی دیدگاه صحیفه در باب انسان، که از آن به انسان‌شناسی یاد می‌شود، به صفت نیازمندی انسان در عرصه‌های مختلف اشاره شده، که این نیازها خود در قالب یک نظام (که در این پژوهش ترسیم شده است) قابل عرضه است.

## ۲- آیه در آینه تفاسیر

در آیه ۱۵ سوره فاطر از خطاب «یا ایها الناس» استفاده شده است و خطاب به عموم مردم اعم از مکذّب و موحد می‌باشد (گرچه روی خطاب در ظاهر با مکذّبین است)، چرا که مخلوقات همه ممکن الوجود و محتاج به خالق و آفریننده هستند و همگان وجودهای تعلقی هستند. (قرشی بنایی، ۱۳۷۵: ص ۲۹)

انسان در بودن خویش و در تمام حالات و احوال محتاج خداوند است و خداوند غنی مطلق و نعمت‌بخش سایر موجودات است و شایسته حمد. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ص ۲۳۵) انسان در اصل وجود خویش، تمام امور دین و دنیا (صدیق حسن خان، ۱۴۲۰: ص ۴۷۰؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ص ۵۵۴)، تمام حرکات و سکناات (طبرانی، ۲۰۰۸: ص ۴۷۹)، رزق و نعمت و مغفرت الهی (سمرقندی، ۱۴۱۶: ص ۱۰۴؛ طبرانی، ۲۰۰۸: ص ۲۶۰) و در بقا و حفظ و رضوان و تمام شئون حیات (شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ص ۲۴) محتاج و نیازمند خداوند است و به تمام معنا «فقیر» است.

«فقیر» کسی است که محتاج غیر خود است و انسان همواره فقیر فضل و احسان الهی است (خازن، ۱۴۱۵: ص ۴۵۵) و از این روست که باید تنها خدا را عبادت کند و در راه رضایت او تلاش کند تا خداوند فقر انسان را جبران کند و به خواسته‌هایش برساند (طبری، ۱۴۱۲: ص ۸۳) و البته باید متوجه بود که خداوند هیچ نیازی به عبادت و خدمت انسان و غیر انسان ندارد، زیرا که او صاحب همه نعمات است (طبری، ۱۴۱۲: ص ۸۳؛ سمرقندی، ۱۴۱۶: ص ۱۰۴؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲: ص ۵۰۹) و در تمام افعالش ستوده (ابن‌ابی‌حاتم، ۱۴۱۹: ص ۴۷۹) و از انسان و تمام مخلوقات بی‌نیاز مطلق. (ابن عطیه، ۱۴۲۲: ص ۴۳۴)

این آیه، آیه تذکر و موعظه است به این که انسان در امور کوچک و بزرگ محتاج خداوند است و لحظه‌ای از او بی‌نیاز نمی‌شود. (ثعالبی، ۱۴۱۸: ص ۳۸۶؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲:

به کار بردن واژه «فقراء» در این آیه به دلیل مبالغه در فقر است، گویا که انسان‌ها به دلیل شدت فقر و کثرت احتیاج فقراء هستند و فقر سایر مخلوقات در مقایسه با فقر انسان قابل توجه نیست. اگر خداوند در این آیه از واژه «فقیر» استفاده کرده است با هدف تحقیر انسان نبوده، بلکه چون می‌خواست به غنای الهی اشاره کند، فقر را مطرح کرده است. (صدیق‌حسن‌خان، ۱۴۲۰: ص ۴۷۰؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ص ۵۵۴) خداوند در این آیه فقر را منحصر در انسان، و بی‌نیازی را منحصر در خود کرد. پس تمامی انحای فقر در مردم، و تمامی انحای بی‌نیازی در خدای سبحان است، و چون فقر و غنی عبارت از فقدان و وجدان است، و این دو، دو صفت متقابل یکدیگرند، ممکن نیست موضوعی از هر دو خالی باشد، هر چیزی که تصور شود، یا فقیر است، و یا غنی، و لازمه انحصار فقر در انسان، و انحصار غنی در خدا انحصاری دیگر است و آن عبارت از این است که: انسان‌ها منحصر در فقر باشند، و خدا منحصر در غنی. پس انسان‌ها غیر از فقر ندارند، و خدا غیر از غنی ندارد. (طباطبائی، ۱۳۹۰: ص ۳۳-۳۴)

پیامبر بسیار کفار را دعوت به خداوند و اطاعت او می‌کرد و کفار می‌گفتند شاید خداوند نیاز به عبادت ما دارد، تا جایی که بسیار بر آن تأکید کرده و ما را امر به عبادت نموده و در صورت ترک عبادت ما را تهدید کرده است. (فخر رازی، ۱۴۲۰: ص ۲۲۹) اما با توجه به این آیه، امر انسان به اطاعت، نه به دلیل احتیاج خداوند به اطاعت انسان، که به دلیل نفع طاعت برای انسان است، (طبرانی، ۲۰۰۸: ص ۲۶۰) زیرا فقر ذاتی دارد و از خود هیچ ندارد، و هستی انسان از الطاف خاصه الهی است و باید هر لحظه افاضه فیض از فیاض علی الاطلاق بشود تا بقا و دوام و ثبات یابد. (شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ص ۲۴)

همان‌گونه که گذشت، تفاسیر ذیل آیه به بیان کلیت فقر ذاتی انسان نسبت به خداوند (با بیان برخی مصادیق کلی، از جمله روزی، حفاظت، تمام امور دین و دنیا و تمام شئون زندگی)، انحصار نیاز در انسان و انحصار بی‌نیازی در خداوند و عدم نیاز خداوند به عبادت و اطاعت انسان پرداخته‌اند، اما بیان مصادیق جزئی فقر و ابعاد آن در این تفاسیر محل بحث نیست. همان‌گونه که پیش‌تر نیز گفته شد، هر چند فقر ذاتی انسان نسبت به خداوند امری بدیهی است، اما بیان مصادیق این فقر و ابعاد آن، به درک فقر انسان نسبت به خداوند و



نظام نیازهای انسان در پرتو تفسیر نیایشی آیه «انتم الفقراء» با...؛ بیات و مدوئیه زارعی | ۹

عینی تر شدن چگونگی این نیازمندی، و همچنین روشن شدن عرصه‌های بیان حاجت انسان کمک می‌کند. از این رو لازم است با مراجعه به بیانات معصومان (به عنوان مفسران قرآن کریم)، به بیان تفصیلی تری از فقر انسان نسبت به خداوند پردازیم، که در ادامه این بحث را از ادعیه صحیفه سجادیه، تحت عنوان تفسیر نیایشی آیه، پی می‌گیریم.

### ۳- تفسیر نیایشی آیه

در نیایش‌های صحیفه، فرازهایی اشاره به فقر مطلق انسان در برابر خداوند دارند و با نگاهی کلی، «انتم الفقراء» را تفسیر می‌کنند. عباراتی که «سراسر نیاز بودن انسان» و «سراسر فقیر بودن» را به خوبی یادآورند. شناخت «فقر خود» و شناخت «غناي خداوند» معرفتی گران‌بهاست، زیرا آنان که خود را فقیر نمی‌دانند، نه خود را شناخته‌اند و نه خداوند را: «يَا غَنِيَّ الْأَغْنِيَاءِ، هَا، نَحْنُ عِبَادُكَ بَيْنَ يَدَيْكَ، وَ أَنَا أَفْقَرُ الْفُقَرَاءِ إِلَيْكَ، فَاجْبُرْ فَأَقْتِنَا بِوَسْعِكَ...» (دهم/۳) خداوندی که خود را به بی‌نیازی از خلق ستوده است و بندگان را به نیازمندی مطلق نسبت داده است و حق هم همین است: «تَمَدَّحْتَ بِالْغِنَاءِ عَن خَلْقِكَ وَ آتَى أَهْلَ الْغِنَى عَنْهُمْ وَ نَسَبْتَهُمْ إِلَى الْفَقْرِ وَ هُمْ أَهْلُ الْفَقْرِ إِلَيْكَ» (سیزدهم/۱۲-۱۱)

در احتیاج انسان فقط به سوی خداست و خداوند مقام انسانی را از روی آوردن به هر دری جز در خویش بی‌نیاز کرده است: «وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَعْلَقَ عَنَّا بَابَ الْحَاجَةِ إِلَّا إِلَيْهِ» (اول/۱۹) پس تنها محل رفع فقر، درگاه خداوند است که اگر کسی به این درگاه متوسل شود کار را از مسیر خویش جسته است: «فَمَنْ حَاوَلَ سَدَّ خَلْتَهُ مِنْ عِنْدِكَ، وَ رَامَ صَرْفَ الْفَقْرِ عَن نَفْسِهِ بَكَ فَقَدْ طَلَبَ حَاجَتَهُ فِي مَطَانِهَا، وَ آتَى طَلِبَتَهُ مِنْ وَجْهِهَا» (سیزدهم/۱۳) و هر کس بجز درگاه خداوند به در دیگری رود، مستحق منع است و حرمان: «وَ مَنْ تَوَجَّهَ بِحَاجَتِهِ إِلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ أَوْ جَعَلَهُ سَبَبَ نُجْحِهَا دُونَكَ فَقَدْ تَعَرَّضَ لِلْحَرَمَانِ، وَ اسْتَحَقَّ مِنْ عِنْدِكَ فَوْتَ الْإِحْسَانِ» (سیزدهم/۱۴). پس اگر انسان به دنبال پاسخ گرفتن است باید به درگاهی رود که امکان پاسخ دادن دارد و برطرف کردن نیاز در اختیار اوست: «وَ آمْنَعْنَا بَعْزَكَ مِنْ عِبَادِكَ، وَ أَعْنَانَا عَنْ غَيْرِكَ يَارْفَادَكَ» (بنجم/۱۳) و روی نیازش به سوی او آورد: «اللَّهُمَّ إِلَيْكَ تَعَمَّدَتْ بِحَاجَتِي، وَ بَكَ أَنْزَلْتَ الْيَوْمَ فَقْرِي وَ فَاقْتِنِي وَ مَسْكِنَتِي...» (چهل و هشتم/۴)

فرای مواردی که بیان کلی فقر انسان نسبت به خداوند است، با نظر به تفسیر نیایشی آیه، و استخراج مضامین مرتبط، نیازهای انسان نسبت به خداوند در یک نگاه قابل دسته‌بندی به «نیازها» و «فرانیاها» است و نیازها، خود در سه دسته «نیازهای بنیادین، نیازهای انگیزشی و نیازهای عملکردی» قابل ترسیم است. البته بدیهی است که دسته‌بندی‌های دیگری نیز ممکن است متصور باشد. در ادامه به بیان هر یک از این دو عنوان و مصادیق آنها خواهیم پرداخت.

### ۱-۳ نیازها

#### ۱-۱-۳ نیازهای بنیادین

مراد از نیازهای بنیادین نیازهایی اساسی است که بشر بدون برآورده شدن آنها نمی‌تواند زندگی خویش را به پیش برد و این نیازها به نسبت نیازهای بعدی در جایگاه مقدم‌تری قرار می‌گیرند.

#### ۱-۱-۱-۳ نیازمند روزی

روزی لازمه حیات است و انسان از ابتدایی‌ترین مراحل خلقت جسمانی خویش نیازمند روزی بوده و تا آخرین روزی که در این عالم ناسوت زیست می‌کند نیازمند روزی خواهد بود؛ زمانی که در رحم مادر از حالتی به حالت دیگر تغییر می‌کرد و هر لحظه و روز سیر تکاملی خویش می‌پیمود، خداوند روزی او را می‌رساند: «اللَّهُمَّ وَ أَنْتَ حَدَرْتَنِي مَاءً مَّهِينًا ... نُصِرْفُنِي حَالًا عَنْ حَالٍ ... حَتَّى إِذَا احْتَجْتُ إِلَى رِزْقِكَ ... جَعَلْتَ لِي قُوَّةً مِنْ فَضْلِ طَعَامٍ وَ شَرَابٍ أَجْرِيتهُ لَأَمْتِكَ الَّتِي أَسْكَنْتَنِي جَوْفَهَا ... وَ لَوْ تَكَلَّنِي يَا رَبِّ فِي تِلْكَ الْحَالَاتِ إِلَى حَوْلِي، أَوْ تَضَطَّرَّنِي إِلَى قُوَّتِي لَكَانَ الْحَوْلُ عَنِّي مُعْتَرِلًا، وَ لَكَانَتِ الْقُوَّةُ مِنِّي بَعِيدَةً (سی و دوم/ ۲۳-۲۵) و در ادامه حیات نیز خداوند روزی او را تضمین کرده است: «اللَّهُمَّ إِنَّكَ خَلَقْتَنِي سَوِيًّا، وَ رَبَّيْتَنِي صَغِيرًا، وَ رَزَقْتَنِي مَكْفِيًّا» (پنجاهم/ ۱)

از این رو اگر انسان در تشخیص روزی‌ده درست عمل کند و بداند که نیاز خویش را به کجا برد، هم نیازش برطرف شده و هم به مطلوب خواسته‌شده برای او، که به درگاه خداوند رفتن است، راه یافته است: «... وَ هَبْ لَنَا يَقِينًا صَادِقًا تَكْفِينًا بِهِ مِنْ مَثُونَةِ الطَّلَبِ، وَ

نظام نیازهای انسان در پرتو تفسیر نیایشی آیه «انتم الفقراء» با ...؛ بیات و مدوئیه زارعی | ۱۱

أَلْهَمْنَا ثَقَّةً خَالِصَةً تُعْفِينَا بِهَا مِنْ شِدَّةِ النَّصَبِ ... فَقُلْتَ وَ قَوْلِكَ الْحَقُّ الْأَصْدَقُ، وَ أَقْسَمْتَ وَ قَسَمَكَ الْأَبْرُ الْأَوْفَى: وَ فِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَ مَا تُوْعَدُونَ...» (بیست و نهم/۲-۵) پس باید برای وسعت رزق نیز از خداوند درخواست کرد: «... وَ أَغْنِنِي وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ فِي رِزْقِكَ» (بیستم/۳) و راه درست استفاده از نعمات را نیز آموخت و از هدر دادن نعمات پرهیز کرد: «وَ نَعُوذُ بِكَ مِنْ تَنَاوُلِ الْأِسْرَافِ، وَ مِنْ فِقْدَانِ الْكِفَافِ» (هشتم/۷)، چرا که هدر دادن نعمات، خود از عوامل بسته شدن وسعت رزق است و صاحبش را به فقر و گرفتاری دچار می‌کند (فهری، ۱۳۷۵: ذیل فراز) و همچنین خواست که روزی انسان به آسانی به او برسد و به قسمت خویش راضی باشد: «وَ سَهَّلْ عَلَيَّ رِزْقِي، وَ أَنْ تُقْنَعَنِي بِتَقْدِيرِكَ لِي، وَ أَنْ تُرْضِيَنِي بِحِصَّتِي فِيمَا قَسَمْتَ لِي... إِنَّكَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ» (سی و دوم/۲۸) باید توجه داشت که چون روزی انسان به دست خداوند است، پس راه فراری از خداوند نیست (شعبان، ۱۴۱۰: ذیل فراز) و چگونه می‌تواند از کسی که حیات انسان به دست اوست فرار کرد: «يَا اللَّهُ الْدَى لَا يَخْفَى عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَ لَا فِي السَّمَاءِ ... كَيْفَ يَسْتَطِيعُ أَنْ يَهْرَبَ مِنْكَ مَنْ لَا حَيَاةَ لَهُ إِلَّا بِرِزْقِكَ» (پنجاه و دوم/۱)

### ۳-۱-۱-۲ نیازمند نیرو و قوت

خداوند خلقت اولیه انسان را از ضعف و ناتوانی و از اندک آبی، بی‌ارزش و سست بنا نهاد: «اللَّهُمَّ وَ إِنَّكَ مِنَ الضُّعْفِ خَلَقْتَنَا، وَ عَلَى الْوَهْنِ بَنَيْتَنَا، وَ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ ابْتَدَأْتَنَا» (نهم/۵) و قوت و نیروی انسان جز با اتصال به خداوند و با کمک او شکل نمی‌گیرد: «فَلَا حَوْلَ لَنَا إِلَّا بِقُوَّتِكَ، وَ لَا قُوَّةَ لَنَا إِلَّا بِعَوْنِكَ» (نهم/۵) پس انسان به میزان توجه به حول و قوه‌ای که در هر لحظه از خداوند می‌گیرد قوی و محکم و با ارزش می‌شود و باید با شناخت ضعف خود و با شناخت قدرت و احاطه خداوند به سوی او رود و به درگاه او پناه جوید، تا ضعف‌هایش در پناه خداوند به قوت تبدیل شود و نداری‌هایش به دارایی: «إِلَهِي أَصْبَحْتُ وَ أَمْسَيْتُ عَبْدًا دَاخِرًا لَكَ، لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَ لَا ضَرًّا إِلَّا بِكَ، أَشْهَدُ بِذَلِكَ عَلَى نَفْسِي، وَ أَعْتَرَفُ بِضَعْفِ قُوَّتِي وَ قَلَّةِ حِيلَتِي، فَأَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي، وَ تَمِّمْ لِي مَا آتَيْتَنِي، فَإِنِّي عَبْدُكَ الْمُسْكِينُ الْمُسْتَكِينُ الضَّعِيفُ الضَّرِيرُ الْحَقِيرُ الْمُهِنُ الْفَقِيرُ الْخَائِفُ الْمُسْتَجِيرُ» (بیست و یکم/۷) و باید به این درک برسد که تنها راه تقویت ضعف‌ها، پناهنده شدن به درگاه الهی

است و هیچ کجای دیگری مرهمی بر دردهای وجود انسان یافت نمی‌شود: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ سُؤَالَ مَنْ اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ، وَضَعَفَتْ قُوَّتُهُ ... سُؤَالَ مَنْ لَا يَجِدُ لِفَاقَتِهِ مَعِيثًا، وَلَا لِضَعْفِهِ مُقَوِّيًا» (پنجاه و چهارم/۳)

### ۳-۱-۱-۳ نیازمند معرفت و علم

حرکت در مسیر درست همواره نیازمند نور است و انسان برای راه یافتن به مسیر کمال خویش نیازمند آگاه شدن و نورانی شدن از طریق کسب معرفت و علم است. چرا که علم، چراغ همواره روشنی است که روشن‌گر مسیر حرکت انسان است و خداوند، خود، اول‌آموزگار شناخت و معرفت است: «وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا عَرَفْنَا مِنْ نَفْسِهِ» (اول/۱۰) که راه علم به ربوبیت و پروردگاریش را برای انسان گشوده است: «الْحَمْدُ لِلَّهِ ... وَفَتَحَ لَنَا مِنْ أَبْوَابِ الْعِلْمِ بِرَبُّوبِيَّتِهِ» (اول/۱۰). به همین دلیل است که فروتن‌ترین و ترسان‌ترین افراد نسبت به خداوند، عالم‌ترین انسان‌ها هستند و خاضع‌ترین آنان کسانی که مطیع‌ترینند: «سُبْحَانَكَ! أَخَشَىٰ خَلْقَكَ لَكَ أَعْلَمُهُمْ بِكَ، وَأَخْضَعُهُمْ لَكَ أَعْمَلُهُمْ بِطَاعَتِكَ وَأَهْوَنُهُمْ عَلَيْكَ مَنْ أَنْتَ تَرْزُقُهُ وَهُوَ يَعْبُدُ غَيْرَكَ» (پنجاه و دوم/۲)

### ۳-۱-۱-۴ نیازمند هدایت و هادی

انسان، به حکم اختیاری که در وجود او ودیعه نهاده شده است، همواره در میان دوراهی‌هایی قرار می‌گیرد که به خیر یا شر منتهی می‌شود و انتخاب مسیری که انسان را در جریان حرکت رشد مطلوب برای او قرار دهد نیازمند دست‌گیری و هدایتی از جانب خداوند است. از این رو باید همواره طالب هدایت از جانب خداوند باشد، زیرا که هدایت راه علم را باز می‌کند و علم نور است و روشن‌کننده مسیر حرکت: «اللَّهُمَّ ... وَاهْدِنَا إِلَيْكَ ... وَ مَنْ تَهْدِيهِ يَعْلَمُ ... إِنَّمَا يَهْتَدِي الْمُهْتَدُونَ بِنُورِ وَجْهِكَ ... وَاهْدِنَا» (پنجم/۱۱-۹) که مراد هدایت به صراط مستقیم است که از طریق آن می‌توان به نشانی اوامر شرعی راه یافت (فهری، ۱۳۷۵: ذیل فراز) و اگر هدایت خداوند به کسی رسید، دیگر هیچ غوایتی او را در بر نمی‌گیرد: «وَمَنْ هَدَيْتَ لَمْ يَغْوِهِ إِضْلَالُ الْمُضِلِّينَ ... وَاسْلُكْ بِنَا سَبِيلَ الْحَقِّ يَارِشَادِكَ» (پنجم/۱۲-۱۳) و باید که همواره چشم‌انداز بلند داشت و بهترین‌ها و مستحکم‌ترین‌ها را

نظام نیازهای انسان در پرتو تفسیر نیایشی آیه «انتم الفقراء» با ...؛ بیات و مدوئیه زارعی | ۱۳

خواست: «وَأَهْدِنِي لِّلَّتِي هِيَ أَحَقُّ» (چهاردهم/۱۳) و بهترین عاقبتی که انسان می‌تواند داشته باشد، مرگ بر هدایت است، و نه گمراهی و عصیان: «أُمَّتَنَا مُهْتَدِينَ غَيْرَ ضَالِّينَ، طَائِعِينَ غَيْرَ مُسْتَكْرَهِينَ، تَائِبِينَ غَيْرَ عَاصِينَ وَ لَا مُصْرِبِينَ ...» (جهلم/۵).

اما وارد شدن در جریان هدایت بدون هادی و راهنما امکان‌پذیر نیست و به همان دلایلی که انسان نیازمند هدایت است، نیازمند هادی و راهبر نیز هست و همان فرازهایی که نیازمندی به هدایت را می‌رساند، نیازمندی به هادی را به طریق اولی رساننده است. از این روست که خداوند با نظر به این نیاز ضروری پیامبران را برای هدایت انسان‌ها فرستاد، و بعد از پیامبران این مسئولیت را به عهده اوصیای آنان نهاد، و البته در میان پیامبران، پیامبر اسلام به طور خاص نسبت به دیگر پیامبران برتری دارد: «وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنَّ عَلَيْنَا بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ دُونَ الْأُمَمِ الْمَاضِيَةِ وَ الْقُرُونِ السَّالِفَةِ» (دوم/۱)

### ۳-۱-۵ نیازمند عافیت و آسایش

انسان دارای دو امکان سلامت و بیماری است و با بیماری از بسیاری از امور زندگی خویش باز می‌ماند. از این رو او همیشه نیازمند عافیت و آسودگی است و روند طبیعی و عمومی بدن نیز صحت و سلامت است و این بیماری است که عارض می‌شود: «اللَّهُمَّ ... أَلْبَسْنِي عَافِيَتَكَ، وَ جَلَّلْنِي عَافِيَتَكَ، وَ حَصَّنِي بِعَافِيَتِكَ، وَ أَكْرَمْنِي بِعَافِيَتِكَ، وَ أَعْنِنِي بِعَافِيَتِكَ، وَ تَصَدَّقْ عَلَيَّ بِعَافِيَتِكَ، وَ هَبْ لِي عَافِيَتَكَ وَ أَفْرِشْنِي عَافِيَتَكَ، وَ أَصْلِحْ لِي عَافِيَتَكَ، وَ لَا تُفَرِّقْ بَيْنِي وَ بَيْنَ عَافِيَتِكَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ» (بیست و سوم/۱)

اما مؤمن در صورت حادث شدن بیماری نیز موقعیت را مدیریت می‌کند و سعی در استفاده بهینه از شرایط بیماری دارد: «اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ مَا لَمْ أَزَلْ أَنْصَرِفُ فِيهِ مِنْ سَلَامَةٍ بَدَنِي، وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ مَا أَحْدَثَتْ بِي مِنْ عِلَّةٍ فِي جَسَدِي» (پانزدهم/۱) او در بیماری‌ها ساکت و منزوی نیست، بلکه خود را با این موقعیت درگیر می‌کند و موقعیت بیماری را تبدیل به فرصت عفو و گشایش می‌کند: «وَ اجْعَلْ مَخْرَجِي عَنْ عِلَّتِي إِلَى عَفْوِكَ، وَ مُتَحَوِّلِي عَنْ صَرَغَتِي إِلَى تَجَاوُزِكَ، وَ خَلَّاصِي مِنْ كَرْبِي إِلَى رَوْحِكَ، وَ سَلَامَتِي مِنْ هَذِهِ الشَّدَّةِ إِلَى فَرَجِكَ» (پانزدهم/۶) زیرا هیچ‌یک از گرفتاری‌ها اعم از بیماری‌ها و بلاها و ... نمی‌تواند یأس آور باشد، به شرط آن که انسان به مبدئی متوجه باشد که همه چیز در دست

با کفایت قدرت او قابل حل است. (ممدوحی کرمانشاهی، ۱۳۸۳: ذیل فراز)

### ۳-۱-۱-۱-۱ نیازمند نگهداری و امنیت

دنیا دار بلاست و انسان موجودی است همواره در معرض حوادث گوناگون و این موجودِ مختارِ ضعیف آفریده شده، همواره نیازمند محافظت و امنیت است تا در برابر انواع حوادث و لغزش‌ها تاب آورد و راه به بیراهه نبرد. از آنجا که هیچ محافظتی جز حفظ الهی نمی‌تواند برای انسان کارگشایی کند، باید که این خواسته نیز به درگاه الهی برسد و از او بخواهد که نگهدارش باشد، چرا که تنها نگهداری اوست که انسان را به سرای سلامت خواهد رساند: «وَقَنَا مِنْكَ، وَ أَحْفَظْنَا بِكَ ... إِنَّ مِنْ تَقِهِ يَسْلَمُ ...» (پنجم/۹) محافظتی که باید از امور مختلفی باشد؛ از شیطان و سلطان و کوچک و بزرگ و دور و نزدیک و دشمن و ...: «وَأَعِزَّنِي وَ ذُرِّيَّتِي مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، وَ مِنْ شَرِّ السَّامَةِ وَ الْأَهَامَةِ وَ الْعَامَةِ وَ اللَّامَةِ، وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ، وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ سُلْطَانٍ عَنِيدٍ، وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ مُتَرَفِّ حَفِيدٍ، وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ ضَعِيفٍ وَ شَدِيدٍ، وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ شَرِيفٍ وَ وَضِيعٍ، وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ صَغِيرٍ وَ كَبِيرٍ، وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ قَرِيبٍ وَ بَعِيدٍ، وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ مَنْ نَصَبَ لِرَسُولِكَ وَ لِأَهْلِ بَيْتِهِ حَرْبًا مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ، وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا، إِنَّكَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (بیست و سوم/۶) «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اكْفِنَا حَدَّ نَوَائِبِ الزَّمَانِ، وَ شَرَّ مَصَائِدِ الشَّيْطَانِ، وَ مَرَارَةَ صَوْلَةِ السُّلْطَانِ» (پنجم/۱۰)

انسانی که به درک تنهایی خویش و ضعف خویش رسیده است، با اقرار به این ضعف به درگاه الهی و تشریح شرایط خویش، تنها محل امن و قوت‌گاه خویش را یاری و تقویت خداوند می‌داند: «اللَّهُمَّ يَا كَافِيَ الْفَرْدِ الضَّعِيفِ، وَ وَاقِيَ الْأَمْرِ الْمَخُوفِ ... وَ إِلَيْكَ الْمَقْرُ وَ الْمَهْرَبُ... وَ أَجْرُ هَرَبِي، وَ أَنْجِحْ مَطْلَبِي» (بیست و یکم/۴-۱) و او را کهف حصین می‌بیند و از لغزش‌هایش به درگاه او پناه می‌جوید: «يَا كَهْفِي حِينَ تُعِينِي الْمَذَاهِبُ وَ يَا مُقِيلِي عَثْرَتِي ...» (پنجاه و یکم/۷) و از خداوند می‌خواهد که در هر دو حالت رضا و غضب، از خطاها و لغزش‌ها مصون باشد، چرا که هر دو آستان حوادثند و لغزش، و در هر دو حالت است که باید محور حرکت رضای الهی باشد: «وَ ارْزُقْنِي التَّحَفُّظَ مِنَ الْخَطَايَا، وَ الْاحْتِرَاسَ مِنَ الزَّلَلِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ فِي حَالِ الرِّضَا وَ الْعُضْبِ، حَتَّى أَكُونَ بِمَا يَرُدُّ عَلَيَّ

نظام نیازهای انسان در پرتو تفسیر نیایشی آیه «انتم الفقراء» با ...؛ بیات و مدوئیه زارعی | ۱۵

مِنْهُمَا بِمَنْزِلَةٍ سَوَاءٍ، عَامِلًا بِطَاعَتِكَ، مُؤْتِرًا لِرِضَاكَ عَلَيَّ مَا سَوَاهُمَا فِي الْأَوْلِيَاءِ وَالْأَعْدَاءِ...»  
(بیست و دوم/۱۳)

### ۳-۱-۲ نیازهای انگیزشی

مراد از نیازهای انگیزشی نیازهایی است که منشأ و محرک رشد و حرکت انسان و پشتوانه عمل اوست. نیازهایی که انسان را به سوی عمل سوق می‌دهند و اگر نباشند انسان دچار رکود و ایستایی و یا عقب‌گرد خواهد شد.

### ۳-۱-۲-۱ نیازمند امید

امید راز ادامه حیات است، موجودی که از خود هیچ ندارد و فقر مطلق است، بدون امید نمی‌تواند به زندگی خود ادامه دهد. بزرگ‌ترین امیدی که انسان را محکم و استوار به پیش می‌برد و تحقق هر امری را ممکن می‌سازد، امید به خداوند متعال است: «وَأَنْتَ أَوْلَىٰ مِنْ رَجَاءٍ، وَأَحَقُّ مِنْ خَشْيَةٍ وَاتَّقَاهُ، فَأَعْطِنِي يَا رَبِّ مَا رَجَوْتُ، وَآمَنِي مَا حَذَرْتُ...» (سی و دوم/۲۰) اگر امید انسان به خداوند قطع شود راهی به درگاه دیگری نمی‌شناسد: «يَا غَنِيَّ الْأَغْنِيَاءِ، هَا، نَحْنُ عِبَادُكَ بَيْنَ يَدَيْكَ... وَلَا تَقْطَعُ رَجَاءَنَا بِمَنْعِكَ...» (دهم/۳) «وَلَا تَقْطَعُ رَجَائِي عَنْكَ...» (سیزدهم/۲۲) و باید که تنها به او امید داشت (شیرازی، ۱۳۸۵: ذیل فراز) کسی را در امید شریک خداوند قرار نداد: «فَأَنْتَ يَا مَوْلَايَ... لَا يَشْرُكَكَ أَحَدٌ فِي رَجَائِي...» (بیست و هشتم/۸۹)

### ۳-۱-۲-۲ نیازمند انس

انسان به گونه‌ای آفریده شده که نیازمند انس و ترسان از تنهایی است، و یکی از کارکردهای روابط اجتماعی نیز ایجاد انس میان مردمان است که از تنهایی‌ها آزرده نشوند. اما آنچه نیاز به انس انسان را به طور واقعی برطرف می‌کند «انس با خداوند» است، چرا که انسان‌ها ممکن است به هر دلیلی فرد را تنها رها کنند و با او قطع رابطه کنند و حتی در مواقع اضطرار نیز دست از او بکشند. بنابراین، با نظر به نیاز انسان به انس، و از سویی امکان تنها ماندن انسان در بین هم‌نوعان و حتی آزار دیدن از سوی هم‌نوعان، به دنبال ارتباط

بی‌خطر و آرامش‌بخشی بود و این آرامش تنها در رابطه با خداوند شکل می‌گیرد، و البته در ارتباط با کسانی که خداوند رنگ و بوی زندگی آنان است؛ اولیای الهی و اهل طاعت: «اللَّهُمَّ ... وَ اكْفِنَا وَحْشَةَ الْقَاطِعِينَ بِصَلَّتِكَ حَتَّى ... لَا نَسْتَوْحِشَ مِنْ أَحَدٍ مَعَ فَضْلِكَ» (پنجم/۷) «وَ اجْعَلْ فِرَارِي إِلَيْكَ، وَ رَغْبَتِي فِيمَا عِنْدَكَ، وَ أَلْبَسْ قَلْبِي الْوَحْشَةَ مِنْ شِرَارِ خَلْقِكَ، وَ هَبْ لِي الْإِنْسَ بَكَ وَ بَأْوِلْيَاكَ وَ أَهْلَ طَاعَتِكَ» (بیست و یکم/۱۱) پس باید در میان بندگان، به بندگان عبد نزدیک شد و باید که از خط‌شکنان و کافران دور شد، چرا که اینان همواره در پی آزار و استعمار دیگران هستند: «وَ لَا تَجْعَلْ لِفَاجِرٍ وَ لَا كَافِرٍ عَلَيَّ مِنْهُ، وَ لَا لَهُ عِنْدِي يَدًا، وَ لَا بِي إِلَيْهِمْ حَاجَةٌ، بَلْ اجْعَلْ سُكُونِ قَلْبِي وَ أَنَسِ نَفْسِي وَ اسْتِغْنَائِي وَ كِفَايَتِي بِكَ وَ بِخِيَارِ خَلْقِكَ» (بیست و یکم/۱۲)

### ۳-۲-۱-۳ نیازمند استجاب دعا

همان‌گونه که خداوند به انسان امکان صدا زدن معبود را داده، در وجود انسان نیز نیاز به شنیده شدن را قرار داده است، از این روست که یکی از نیازها و خواسته‌های انسان شنیده شدن و اجابت شدن توسط خداوند است: «وَ كُنْ لِدُعَائِي مُجِيبًا، وَ مِنْ نِدَائِي قَرِيبًا، وَ لَتَضُرَّعِي رَاحِمًا، وَ لَصَوْتِي سَامِعًا» (سیزدهم/۲۱)

او گاه درد و رنج و شکایت خویش را تنها به درگاه خداوند می‌برد و اگر او بشنود بسیاری از دردها ساکن می‌گردد: «اللَّهُمَّ لَا أَشْكُو إِلَيْ أَحَدٍ سِوَاكَ، وَ لَا أَسْتَعِينُ بِحَاكِمٍ غَيْرِكَ، حَاشَاكَ... وَ صَلِّ دُعَائِي بِالْإِجَابَةِ، وَ اقْرَأْ شِكَايَتِي بِالتَّغْيِيرِ» (چهاردهم/۱۱) «...وَ اسْمَعْ نَجْوَايَ، وَ اسْتَجِبْ دُعَائِي» (چهل و ششم/۲۵)

### ۴-۲-۱-۳ نیازمند حمایت و گره‌گشایی در سختی‌ها

وجود ضعیف و فقیر، همواره به حمایت موجودی قوی و غنی نیازمند است. انسان در مسیر مشکلات زندگی، همواره به حمایت خداوند نیاز دارد، که دستش بگیرد و از گرداب مشکلات بیرون کشد. انسانی که مشکل‌گشا را درست شناخته باشد همواره کار خویش به خدای خویش واگذار می‌کند و گره‌گشایی از درگاه او می‌طلبد: «وَ افْتَحْ لِي يَا رَبِّ بَابَ الْفَرَجِ بِطَوْلِكَ، وَ اكْسِرْ عَنِّي سُلْطَانَ الْهَمِّ بِحَوْلِكَ، وَ أَنْلِنِي حُسْنَ النَّظَرِ فِيمَا شَكُوتُ، وَ أَدْفِنِي



نظام نیازهای انسان در پرتو تفسیر نیایشی آیه «انتم الفقراء» با ...؛ بیات و مدوئیه زارعی | ۱۷

حَلَاوَةَ الصُّنْعِ فِيمَا سَأَلْتُ، وَ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَ فَرَجًا هَنِئًا، وَ اجْعَلْ لِي مِنْ عِنْدِكَ مَخْرَجًا وَ حَيًّا» (هفتم/۸)

اوهمواره در مشکلات خود را خلع سلاح نشان می‌دهد و اقرار می‌کند که بدون یاری خداوند قادر بر انجام کاری نیست و با این کار امر خویش به خدا واگذار می‌کند و از این که خداوند کار او را به خلق واگذار کند به شدت نگران است، چرا که آنان کاری از پیش نمی‌برند (مدنی شیرازی، ۱۴۰۹: ذیل فراز) و از این رو می‌خواهد که امورش را فقط خداوند کفایت کند و با رحمت بی‌منتهایش با او برخورد کند: «اللَّهُمَّ لَا طَاقَةَ لِي بِالْجَهْدِ، وَ لَا صَبْرَ لِي عَلَى الْبَلَاءِ، وَ لَا قُوَّةَ لِي عَلَى الْفَقْرِ، فَلَا تَحْضُرْ عَلَيَّ رِزْقِي، وَ لَا تَكْلُنِي إِلَى خَلْقِكَ، بَلْ تَفَرِّدْ بِحَاجَتِي، وَ تَوَلَّ كِفَايَتِي وَ انْظُرْ إِلَيَّ وَ انْظُرْ لِي فِي جَمِيعِ أُمُورِي، فَإِنَّكَ إِنْ وَكَلْتَنِي إِلَى نَفْسِي عَجَزْتُ عَنْهَا وَ لَمْ أَقْمِ مَا فِيهِ مَصْلَحَتُهَا، وَ إِنْ وَكَلْتَنِي إِلَى خَلْقِكَ تَجْهَمُونِي، وَ إِنْ أَلْجَأْتَنِي إِلَى قَرَابَتِي حَرَمُونِي...» (بیست و دوم/ ۳-۲)

### ۳-۱-۲-۵ نیازمند ترس از خداوند

وجود وسوسه‌های نفسانی و شیطانی، همواره انسان را در معرض خطر انحراف قرار می‌دهد، و اگر نباشد بازدارندهایی که او را از درآمدن در وادی گناه بترساند، چه بسا بسیار پا به وادی معصیت گذاشته و از وادی طاعت دور می‌شود. از بزرگترین این بازدارنده‌ها، ترس از خداوند است، نعمتی که باید از خداوند خواست که همواره در وجود انسان جریان داشته باشد و دستگیری کند: «وَ آمِنُنْ عَلَيَّ بِالصِّحَّةِ وَ الْأَمْنِ ... وَ الْخَشْيَةَ لَكَ، وَ الْخَوْفَ مِنْكَ» (بیست و سوم/۳) و یکی از حالات مطلوب بنده هنگام صدا زدن خداوند متعال، ترسان بودن است: «دَعَوْتُكَ ... مُشْفِقًا، خَائِفًا، وَجَلًّا» (پنجاه و یکم/۹) و البته ترس‌ها نیز مراتبی دارد و با کیفیت‌ترین ترس، که بازدارندگی بیشتری دارد، خوف عابدین و اولیای الهی است، که در نتیجه شناخت و معرفت برای آنان شکل می‌گیرد (دارابی، ۱۳۷۹: ذیل فراز)، و چه شایسته است انسان تلاش کند ترس او چونان ترس عابدان و اولیای الهی شود: «أَسْأَلُكَ خَوْفَ الْعَابِدِينَ لَكَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ ... رَهْبَتِي مِثْلَ رَهْبَةِ أَوْلِيَائِكَ» (پنجاه و چهارم/ ۵-۶) و هیچ‌گاه ترس از مخلوقین جایگزین ترس از خداوند نگردد: «وَ اسْتَعْمَلْنِي فِي مَرْضَاتِكَ عَمَلًا لَا أَتْرُكُ مَعَهُ شَيْئًا مِنْ دِينِكَ مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ» (پنجاه و چهارم/۶) و

امری از حقوق دین به این دلیل ترک نشود. (قهپائی، ۱۳۷۴: ذیل فراز)

### ۳-۱-۲-۶ نیازمند عفو الهی

از آنجا که تمام قوای انسان از جانب خداوند است، اما گاه این قوا را در خلاف مسیر رضایت الهی و چه بسا در مسیر مخالفت و دشمنی با او به کار می‌گیرد، همواره درگیر گناهان کوچک و بزرگی است که او را مستحق عقاب می‌کند و اگر نباشد عفو الهی که از فضل او ناشی است، انسان هرگز روی سعادت را نخواهد دید. بنابراین همواره نیازمند عفو الهی است و باید که با اعتراف به گناهان و مستحق عذاب دانستن خویش، از درگاه الهی درخواست بخشش نماید و خود را به دایره عذاب الهی وارد نکند: «اللَّهُمَّ إِنَّ تَشَأْ تَعْفُ عَنَّا فَيَفْضُلْكَ، وَإِنْ تَشَأْ تُعَذِّبْنَا فَيَعْدِلُكَ» (دهم/۱) فَسَهَّلْ لَنَا عَفْوَكَ بِمَنِّكَ، وَ أَجْرْنَا مِنْ عَذَابِكَ بِنَجَاوَرِكَ، فَإِنَّهُ لَا طَاقَةَ لَنَا بِعَدْلِكَ، وَ لَا نَجَاةَ لِأَحَدٍ مِّنَّا دُونَ عَفْوِكَ» (دهم/۲) «فَكُلُّ الْبَرِيَّةِ مُعْتَرِفَةٌ بِأَنْكَ غَيْرِ ظَالِمٍ لِمَنْ عَاقَبَتْ، وَ شَاهِدَةٌ بِأَنْكَ مُتَفَضِّلٌ عَلَيَّ مِنْ عَاقِبَتِ، وَ كُلُّ مُقِرٍّ عَلَيَّ نَفْسِهِ بِالتَّقْصِيرِ عَمَّا اسْتَوْجِبْتَ» (سی و هفتم/۸)

چون خداوند خود انسان را آفریده و به احتمال لغزش او آگاه است همواره در قرآن کریم توصیه به بازگشت و ناامید نشدن از بخشش الهی نموده است، پس انسان می‌تواند به حکم فرموده خداوند به درگاه او بار یابد و از وعده عفو او بهره جوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي وَجَدْتُ فِيمَا أَنْزَلْتَ مِنْ كِتَابِكَ، وَ بَشَّرْتَ بِهِ عِبَادَكَ أَنْ قُلْتَ: يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَيَّ أَنْفُسَهُمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ، إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا، وَ قَدْ تَقَدَّمَ مِنِّي مَا قَدْ عَلِمْتَ وَ مَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي، فَيَا سَوَاتِمَا مِمَّا أَحْصَاهُ عَلَيَّ كِتَابُكَ» (پنجاهم/۲) فَلَوْ لَا الْمَوَاقِفُ الَّتِي أُؤْمَلُ مِنْ عَفْوِكَ الَّتِي شَمِلَتْ كُلَّ شَيْءٍ لَأَلْقَيْتُ بِيَدِي، وَ لَوْ أَنَّ أَحَدًا اسْتَطَاعَ الْهَرَبَ مِنْ رَبِّهِ لَكُنْتُ أَنَا أَحَقُّ بِالْهَرَبِ مِنْكَ، وَ أَنْتَ لَا تَخْفَى عَلَيْكَ خَافِيَةٌ فِي الْأَرْضِ وَ لَا فِي السَّمَاءِ إِلَّا أَتَيْتَ بِهَا، وَ كَفَى بِكَ جَازِيًا، وَ كَفَى بِكَ حَسِيبًا» (پنجاهم/۳) پس باید همواره طالب عفو الهی بود و به این دستاویز مستمسک شد و امید به عفو الهی داشت: «يَا أَهْلَ التَّقْوَى ... أَسْأَلُكَ أَنْ تَعْفُو عَنِّي...» (پنجاه و یکم/۷) «وَ أَنَا الْعَبْدُ الضَّعِيفُ عَمَلًا، الْجَسِيمُ أَمَلًا... وَ تَقَطَّعَتْ عَنِّي عِصْمُ الْأَمَالِ إِلَّا مَا أَنَا مُعْتَصِمٌ بِهِ مِنْ عَفْوِكَ» (سی و دوم/۹)، عفو که حتی شامل حال ظالمان نیز می‌شود: «فَكَمْ قَدْ لَحِقَتْ رَحْمَتُكَ بِالْمُسِيئِينَ، وَ كَمْ قَدْ شَمِلَ عَفْوُكَ الظَّالِمِينَ» (سی و

### ۳-۱-۲-۷ نیازمند توفیق (فراهم شدن اسباب)

انسان در این عالم همواره برای انجام مطلوب نیازمند فراهم شدن اسباب از جانب خود خداوند است، یعنی تا زمانی که توفیق الهی نصیب انسان نشود و اسباب و زمینه‌ها به لطف او به شکل لازم در کنار یکدیگر چیده نشود (شیرازی، ۱۳۸۵: ذیل فراز)، انجام هیچ خیر یا دوری از شری امکان‌پذیر نیست: «فَأَيَّدْنَا بِتَوْفِيقِكَ، وَ سَدَدْنَا بِتَسَدِيدِكَ» (نهم/۶)

### ۳-۱-۲-۸ نیازمند کمک برای انجام وظائف

انسان برای انجام وظایفی که خداوند بر عهده او قرار داده است و طی کردن مسیر عبودیت نیاز به کمک دارد و به تنهایی قادر به انجام کاری نیست. کمک‌هایی از جنس‌های مختلف قوت، سلامت، بصیرت، توان جسمی و روحی، ترس و ...: «وَ أَمِنُ عَلَىٰ بِالصِّحَّةِ وَ الْأَمْنِ وَ السَّلَامَةِ فِي دِينِي وَ بَدَنِي، وَ الْبَصِيرَةِ فِي قَلْبِي، وَ النِّفَازِ فِي أُمُورِي، وَ الْخَشْيَةِ لَكَ، وَ الْخَوْفِ مِنْكَ، وَ الْقُوَّةِ عَلَىٰ مَا أَمَرْتَنِي بِهِ مِنْ طَاعَتِكَ، وَ الْاجْتِنَابِ لِمَا نَهَيْتَنِي عَنْهُ مِنْ مَعْصِيَتِكَ» (بیست و سوم/۳) و ناصر انسان در همه حال تنها خداوند است، چرا که از خودش هیچ قوه و نیرویی ندارد: «يَا كَهْفِي ... يَا مُؤَيَّدِي بِالنَّصْرِ، فَلَوْ لَا نَصْرُكَ إِيَّايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِينَ ... فَلَسْتُ بِرِيئًا فَأَعْتَذِرُ، وَ لَا بَدِي قُوَّةً فَأَنْتَصِرُ، وَ لَا مَفْرَ لِي فَأَفِرُّ» (پنجاه و یکم/۷) پس باید از او کمک خواست و به او پناهنده شد: «إِيَّاكَ أَسْتَعِينُ، وَ بِكَ أُوْمِنُ، وَ عَلَيْكَ أَتَوَكَّلُ، وَ عَلَىٰ جُودِكَ وَ كَرَمِكَ أَتَكِلُ» (پنجاه و دوم/۱۱)

### ۳-۱-۱ عملکردهای

مراد از نیازهای عملکردهای، نیاز به اقدام و عمل است. چرا که اگر معرفت و انگیزه باشد، اما عملی صورت نگیرد، رشد و حرکتی برای انسان نخواهد داشت و این نوع نیازها انسان را به سمت اقدامات سوق می‌دهد.

### ۳-۱-۱-۱ نیازمند بصیرت و ثابت‌قدم شدن در مسیر درست

بصیرت و شناخت همواره روشنگر مسیر حرکت صحیح انسان است. از این رو انسان باید با

کسب بصیرت مسیر حرکت درست را بشناسد و در آن قدم بگذارد: «وَأْمَنْ عَلَىٰ بِالصِّحَّةِ ... وَالْبَصِيرَةَ فِي قَلْبِي ...» (بیست و سوم/۳) و بخواهد که در راه اطاعت، دائم و ثابت قدم و دارای بصیرتی قوی و محکم و غیر قابل نفوذ (مدنی شیرازی، ۱۴۰۹: ذیل فراز) باشد: «اللَّهُمَّ وَتَبَّتْ فِي طَاعَتِكَ نَيْتِي، وَ أَحْكِمْ فِي عِبَادَتِكَ بَصِيرَتِي ...» (سی و یکم/۱۳). البته باید توجه داشت که همواره قدم نهادن در مسیر درست بسیار ارزشمند و قابل ستایش است، اما آنچه از ورود در کار درست با ارزش‌تر و ستودنی‌تر است، ثابت‌قدم ماندن در مسیر است، به همین دلیل ثبوت در مسیر درست از لوازم بصیرت است: «فَأَيَّدْنَا بِتَوْفِيقِكَ، وَ سَدَدْنَا بِتَسَدِيدِكَ» (نهم/۶) که خداوند اراده انسان و اعمال او را در راستای هدف اصلی و مطلوب محکم سازد و بتواند در کوتاه‌ترین زمان به هدف برسد. (مدنی شیرازی، ۱۴۰۹: ذیل فراز)

### ۳-۱-۱-۳ نیازمند روحیه اطاعت

مطیع بودن راه نجات انسان است و انسان بدان نیازمند، چرا که مسیر اطاعت، مسیر همراه شدن با هدف اصلی کائنات است. پس باید که تمام جوارح و جوانج انسان در راه طاعت او به کار گرفته شوند و این ظرفیت در نظر گرفته شده برای انسان به تمامه استفاده شود: «وَأَيَّدْنَا بِتَوْفِيقِكَ، وَ سَدَدْنَا بِتَسَدِيدِكَ» (نهم/۶) که خداوند اراده انسان و اعمال او را در راستای هدف اصلی و مطلوب محکم سازد و بتواند در کوتاه‌ترین زمان به هدف برسد. (مدنی شیرازی، ۱۴۰۹: ذیل فراز)

### ۳-۱-۱-۳ نیازمند توکل و اعتماد

وجود فقیر و ضعیف انسان همواره نیازمند تکیه‌گاهی مطمئن است که با کمک و اعتماد به آن در حرکت خویش استوار باشد و به او توکل کند، و هیچ تکیه‌گاهی جز خداوند نمی‌تواند این نیاز اصیل را پاسخ گوید: «وَأَيَّدْنَا بِتَوْفِيقِكَ، وَ سَدَدْنَا بِتَسَدِيدِكَ» (نهم/۶) که خداوند اراده انسان و اعمال او را در راستای هدف اصلی و مطلوب محکم سازد و بتواند در کوتاه‌ترین زمان به هدف برسد. (مدنی شیرازی، ۱۴۰۹: ذیل فراز) و حقیقتاً امور را به خدا واگذارد و بر او توکل کند و این فقط در مقام حرف نباشد (موسوی): «وَأَيَّدْنَا بِتَوْفِيقِكَ، وَ سَدَدْنَا بِتَسَدِيدِكَ» (نهم/۶) که خداوند اراده انسان و اعمال او را در راستای هدف اصلی و مطلوب محکم سازد و بتواند در کوتاه‌ترین زمان به هدف برسد. (مدنی شیرازی، ۱۴۰۹: ذیل فراز)

نظام نیازهای انسان در پرتو تفسیر نیایشی آیه «انتم الفقراء» با ...؛ بیات و مدوئیه زارعی | ۲۱

الْمُتَوَكِّلِينَ عَلَيْكَ، وَ تَوَكَّلَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْكَ» (پنجاه و چهارم/۵) و مؤمن می‌داند هیچ پناهگاه مطمئنی جز خداوند به او آرامش و اطمینان نخواهد داد: «اللَّهُمَّ مَنْ أَصْبَحَ لَهُ ثَقَةٌ أَوْ رَجَاءٌ غَيْرُكَ، فَقَدْ أَصْبَحَتْ وَأَنْتَ ثِقَّتِي وَ رَجَائِي فِي الْأُمُورِ كُلِّهَا...» (پنجاه و هشتم/۸) «وَأَنْتَ أَوْلَىٰ مَنْ وَثِقَ بِهِ» (سی و دوم/۲۲)

### ۳-۱-۱-۴ نیازمند ذکر

یاد خداوند و اشتغال قلب انسان به ذکر الهی، انسان را شریف و عزیز می‌کند: «يَا مَنْ ذَكَرُهُ شَرَفٌ لِلذَّاكِرِينَ ... وَ اشْغَلَ قُلُوبَنَا بِذِكْرِكَ عَنْ كُلِّ ذِكْرٍ» (یازدهم/۱) و انسان به این ذکر برای رشد نیازمند است. یکی از گنجینه‌های غیبی که خداوند به لطف خویش بر انسان گشوده است آیه‌ای که می‌فرماید: مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم، و چه بالاتر از این که انسان موضوع ذکر خداوند شود: «وَأَنْتَ الَّذِي دَلَلْتَهُمْ بِقَوْلِكَ مِنْ غَيْبِكَ ... فَقُلْتَ: فَادْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ...» (چهل و پنجم/۱۴) و اگر ذکری هست، باز به لطف و منت الهی و با نعماتی است که او به انسان عطا کرده است: «فَذَكِّرْوكَ بِمَنْكَ...» (چهل و پنجم/۱۶)

### ۳-۱-۱-۵ نیازمند تضرع در برابر خداوند

انسان بدون رحمت و فضل الهی توان زیستن و از پیش بردن امور خویش را ندارد و اولویت خداوند نیز در تعامل با مخلوقات رحمت و دستگیری است. پس باید خود را در مقابل خداوند به تضرع وادارد تا مشمول رحمت و دستگیری خداوند شود: «وَأَشْبَهُ الْأَشْيَاءِ بِمَشِيَّتِكَ، وَ أَوْلَى الْأُمُورِ بِكَ فِي عَظَمَتِكَ رَحْمَةً مِنْ اسْتَرْحَمَكَ، وَ عَوْتُ مَنْ اسْتَعَاثَ بِكَ، فَارْحَمْ تَضَرُّعًا إِلَيْكَ، وَ اغْنِنَا إِذْ طَرَحْنَا أَنْفُسَنَا بَيْنَ يَدَيْكَ» (دهم/۵)

### ۳-۱-۱-۶ نیازمند خودسازی و اصلاح نفس

انسانی که دارای اختیار و دارای امکان خطاست، بی‌شک نیازمند خودسازی و اصلاح نفس است. هر چند نفس سرکش انسانی و وسوسه‌های فراوان شیطانی مسیر حرکت انسان را با چالش‌های زیادی مواجه می‌کنند و در مواردی او را به گناه آلوده می‌سازند، اما انسان به دلیل دارا بودن همان اراده‌ای که با آن گناه را انتخاب کرد، به لطف الهی و بهره‌مندی از

نعمت او، می‌تواند به اصلاح، پاکسازی و بازسازی نفس خویش اقدام کند: «وَلَوْ كُنَّا إِحْسَانُكَ إِلَيَّ وَ سُبُوغُ نِعْمَانِكَ عَلَيَّ مَا بَلَّغْتُ إِحْرَارَ حَطِي، وَ كَأِ إِصْلَاحِ نَفْسِي» (پنجاه و یکم/۲) و از تمام ظرفیت وجودی خویش برای حرکتی مستدام و استوار به سوی کمال بهره‌گیرد، و دینداری و توحید در تمام جوارح و جوانح انسان پدیدار شود: «اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجْعَلْ هَمَّسَاتِ قُلُوبِنَا، وَ حَرَكَاتِ أَعْضَانِنَا وَ كَمَحَاتِ أَعْيُنِنَا، وَ لَهَجَاتِ أَلْسِنَتِنَا فِي مُوجِبَاتِ ثَوَابِكَ حَتَّى لَا تَقُوتَنَا حَسَنَةُ نَسْتَحِقُّ بِهَا جَزَاءَكَ، وَ لَا تَبْقَى لَنَا سَيِّئَةٌ نَسْتَوْجِبُ بِهَا عِقَابَكَ» (نهم/۷) از این رو باید همواره وجود خود را در مسیر صحیح جریان داد و راه استوار برگزید: «اهْدِنِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ، وَ اسْتَعْمِلْنِي بِمَا هُوَ أَسْلَمُ» (چهاردهم/۱۳)

### ۳-۱-۱-۷ نیازمند امکان بازگشت (توبه)

وجود قوه اختیار در انسان موجب می‌شود که انسان گناه به اشتباه و گناه دچار گردد، از این رو نیازمند راهی برای بازگشت است تا بتواند خطاهای گذشته را جبران و مسیر آینده را هموار سازد. مسیری که بتواند علیه خود انقلاب کند و از راه غلط برگردد؛ انقلابی که در متون دینی به «توبه» از آن یاد می‌شود. خداوند پاسخ این نیاز را با آموزش توبه داده است. به همین دلیل توبه به تنهایی از بزرگترین نعمات الهی است که شایسته برترین حمد‌هاست: «وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي دَلَّنَا عَلَى التَّوْبَةِ الَّتِي لَمْ نُفِدْهَا إِلَّا مِنْ فَضْلِهِ، فَلَوْ لَمْ نَعْتَدِدْ مِنْ فَضْلِهِ إِلَّا بِهَا لَقَدْ حَسُنَ بَلَاؤُهُ عِنْدَنَا، وَ جَلَّ إِحْسَانُهُ إِلَيْنَا وَ جَسَمَ فَضْلُهُ عَلَيْنَا» (اول/۲۲)

توبه، امکان بازخوانی مستمر وجود است و نیازمند توفیق: «وَ صَبِّرْنَا إِلَىٰ مَحَبُوبِكَ مِنَ التَّوْبَةِ، وَ أَرْزَلْنَا عَنْ مَكْرُوهِكَ مِنَ الْإِصْرَارِ» (نهم/۱). خداوند با باز کردن در توبه، در هر گونه ناامیدی را بسته است؛ پس تا زمانی که راه توبه باز است، امید هست: «سَبِّحَانَكَ، كَأَيَّاسٍ مِنْكَ وَ قَدْ فَتَحْتَ لِي بَابَ التَّوْبَةِ إِلَيْكَ...» (دوازدهم/۷) و چه خوب است که پایان حیات دنیوی انسان توبه مقبولی باشد که دیگر پس از آن فرصتی برای گناه نباشد: «... وَ اجْعَلْ خَتَامَ مَا تُحْصِي عَلَيْنَا كِتَابَةَ أَعْمَالِنَا تَوْبَةً مَقْبُولَةً لَا تُوقِفُنَا بَعْدَهَا عَلَى ذَنْبٍ اجْتَرَحْنَاهُ، وَ لَا مَعْصِيَةٍ أَقْتَرَفْنَاهَا» (یازدهم/۳)

### ۳-۱-۱-۸ نیازمند آماده شدن برای مرگ

نظام نیازهای انسان در پرتو تفسیر نیایشی آیه «انتم الفقراء» با ...؛ بیات و مدوئی زارعی | ۲۳

دنیا مکان ماندگاری انسان نیست و زندگی دنیوی تنها بخشی از حیات جاودانه انسان است که البته نقش مهمی در تعیین کیفیت ادامه زندگی انسان در سرای دیگر دارد. از این رو باید این گذران بودن دنیا همواره در پیش چشم انسان باشد و هم‌زمان، آگاه به نقش سازندگی زندگی کوتاه دنیوی برای زندگی طولانی اخروی، تا بدون آمادگی رخت از این جهان برنبدند: «و نَعُوذُ بِكَ ... مِنْ مَعِيشَةٍ فِي شِدَّةٍ، وَ مِيتَةٍ عَلَيَّ غَيْرِ عُدَّةٍ» (هشتم/۸)

مرگ برای کسی که خود را آماده کرده است مایه خوشبختی و آرامش است و برای کسی بدون آمادگی با آن مواجه شود مایه خواری و شقاوت و اندوه: «فَإِذَا أُوْرِدْتَهُ عَلَيْنَا وَ أَنْزَلْتَهُ بِنَا فَأَسْعِدْنَا بِهِ زَائِرًا، وَ أَنْسَنَا بِهِ قَادِمًا، وَ لَأَ تَشْقِنَا بِضِيَافَتِهِ، وَ لَأَ تُخْزِنَا بِزِيَارَتِهِ، وَ اجْعَلْهُ أَبًا مِنْ أَبْوَابِ مَغْفِرَتِكَ، وَ مِفْتَاحًا مِنْ مَفَاتِيحِ رَحْمَتِكَ» (چهلیم/۴) و اعمال صالح شوق به مرگ و رضایت و انس به آن را نتیجه می‌دهد: «وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ صَالِحِ الْأَعْمَالِ عَمَلًا نَسْتَبْطِئُ مَعَهُ الْمَصِيرَ إِلَيْكَ، وَ نَحْرُصُ لَهُ عَلَيَّ وَ شَكَكَ اللَّحَاقُ بِكَ حَتَّى يَكُونَ الْمَوْتُ مَا نَسْنَا الَّذِي نَأْتِسُ بِهِ، وَ مَا لَفْنَا الَّذِي نَشْتَأِقُ إِلَيْهِ، وَ حَامَتْنَا الَّتِي نُحِبُّ الدُّنْيَا مِنْهَا» (چهلیم/۳)

باید همواره از خداوند خواست که مرگ انسان را بر هدایت و طاعت و توبه قرار دهد و نه بر گمراهی و اصرار بر معصیت: «أَمِتْنَا مُهْتَدِينَ غَيْرَ ضَالِّينَ، طَائِعِينَ غَيْرَ مُسْتَكْرِهِينَ، تَائِبِينَ غَيْرَ عَاصِينَ وَ لَأَ مُصْرِينَ...» (چهلیم/۵)

## ۲-۳ فرایندها

### ۱-۲-۳ نیازمند رحمت الهی

حیات انسان وابسته به رحمت هر لحظه الهی است و از این روست که رحمت خداوند بر غضب او پیشی گرفته و اولویت خداوند در برخورد با بندگان، برخورد از سر رحمت و مهربانی است: «وَ أَشْبَهُ الْأَشْيَاءِ بِمَشِيَّتِكَ، وَ أَوْلَى الْأُمُورِ بِكَ فِي عَظَمَتِكَ رَحْمَةٌ مِنْ اسْتِرْحَمَكَ ... فَارْحَمْ تَضَرُّعَنَا إِلَيْكَ» (دهم/۵) و از آنجا که خزائن رحمت الهی هیچ‌گاه پایان نمی‌پذیرد و نیاز انسان نیز قطع نمی‌شود، شایسته است بنده همواره در طلب رحمت باشد: «يَا مَنْ لَأَ تَفْنَى خَزَائِنُ رَحْمَتِهِ... وَ اجْعَلْ لَنَا نَصِيبًا فِي رَحْمَتِكَ» (پنجم/۳) و خواستار وارد شدن به سرچشمه‌های آن: «وَ أُوْرِدْنِي مَشَارِعَ رَحْمَتِكَ» (چهل و یکم/۱).

چرا که اگر رحمت الهی نباشد، انسان هرگز عاقبت بخیر نخواهد شد، نه در دنیا و نه

در آخرت، و او برای سرانجامی نیک در هر دو جهان، نیازمند رحمت الهی است: «مَوْلَايَ وَ اَرْحَمَنِي فِي حَشْرِي وَ نَشْرِي ...» (پنجاه و سوم/۷)

### ۲-۲-۳ نیازمند محبت خداوند

محبت رشته محکم‌کننده رابطه‌هاست و اگر نبود، تحمل بسیاری از دشواری‌ها بر انسان سخت می‌نمود. اما محبت اصیلی که انسان در قلب خود آن را جستجو می‌کند، دوست‌داشته‌شدن توسط خداوند است و این محبتی است که آرامش و رشد سرشار را بر وجود انسان سرازیر می‌کند و محرکی قوی برای عمل صالح است. انسان ضعیف ناتوان گناهکار بی‌پناه، می‌تواند در پناه لطف خداوند و اراده خویش و عمل به دستورات الهی، به گونه‌ای شود که خداوند می‌پسندد و دوست می‌دارد: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ ... عَمَلًا تُحِبُّ بِهِ مِنْ عَمَلٍ بِهِ ...» (پنجاه و چهارم/۳)

### ۳-۲-۳ نیازمند بخشش و عطا

فقیر همیشه محتاج وجود دیگری برای رفع نیازهای خویش است. انسان فقر مطلق است که نیازمند عطا و بخشش غنی مطلق است. از این رو باید بخواهد که از غیر او بی‌نیاز شود و با وجود بخشش او، به درگاه دیگری نرود: «اللَّهُمَّ اغْنِنَا عَنْ هَبَّةِ الْوَهَّابِينَ بِهَيْبَتِكَ ... حَتَّى لَا نَرْغَبَ إِلَى أَحَدٍ مَعَ بَدْلِكَ» (پنجم/۷) چرا که اگر بخششی از جانب دیگران است، به یمن عطائی است که خداوند به آنان داشته است: «إِنَّمَا يُعْطَى الْمُعْطُونَ مِنْ فَضْلِ جَدِّتِكَ ... وَ أَعْطَانَا» (پنجم/۱۱). بنابراین باید از خداوند خواست که با بخشش خودش ما را از دیگران بی‌نیاز کند: «... وَ أَعْطَانَا عَنْ غَيْرِكَ يَارْفَادِكَ» (پنجم/۱۳) چرا که هبه و بخشش از جانب خداوند به بندگان سنت الهی و از سر فضل اوست و این درگاه همیشه سائل دارد: «... فَمَا أَنَا بِأَوَّلِ رَاغِبٍ إِلَيْكَ فَأَعْطَيْتَهُ وَ هُوَ يَسْتَحِقُّ الْمَنْعَ، وَ لَأَبْأَوَّلِ سَائِلٍ سَأَلْتُكَ فَأَفْضَلْتَ عَلَيْهِ وَ هُوَ يَسْتَوْجِبُ الْحَرَمَانَ» (سیزدهم/۲۰)

### نتیجه‌گیری

تفسیر نیایشی، که به معنای کاربرست نیایش‌ها در فرآیند فهم قرآن کریم است، به عنوان شاخه‌ای از تفسیر روایی، می‌تواند نقش بسیار کاربردی و مهم در تفسیر قرآن داشته باشد و



نظام نیازهای انسان در پرتو تفسیر نیایشی آیه «انتم الفقراء» با... بیات و مدوئی زارعی | ۲۵


بسیار شایسته است که به عنوان یک روش تفسیری مستقل مورد توجه قرار گیرد. به عنوان نمونه، در تفسیر مراد از فقر در آیه ۱۵ سوره فاطر که بحث از «انتم الفقراء» مطرح شده است، مفسران تنها به فقر ذاتی انسان و بیان مواردی کلی این نیازمندی اشاره کرده‌اند، اما در تفسیر نیایشی این آیه و با مراجعه به آموزه‌های ادعیه صحیفه سجادیه، مصادیق فقر انسان به بیان تفصیلی روشن می‌شود که در این پژوهش یک نمونه از نظام این نیازها به تصویر کشیده شده است. نیازهای انسان در این نظام به دو بخش نیازها و فرایندها دسته‌بندی می‌شود و نیازها به سه بخش نیازهای بنیادی، انگیزشی و عملکردی قابل تفهیم است؛ نیازهای بنیادین مانند: نیاز به روزی، نیرو و قوت، معرفت و علم، هدایت و راهنما، عافیت و امنیت، نیازهای انگیزشی مانند: نیاز به امید، انس، استجاب دعا، حمایت، ترس از خدا، عفو، توفیق و کمک برای انجام وظایف، و نیازهای عملکردی مانند: بصیرت، روحیه اطاعت، توکل، ذکر، تضرع، اصلاح نفس، امکان بازگشت و آماده شدن برای مرگ. فرایندها نیز عبارتند از: رحمت، محبت و بخشش و عطا. بیان مصادیق فقر و نیازمندی انسان از آن رو اهمیت دارد که با هر چه روشن تر شدن مصادیق نیاز انسان به خداوند، فقر ذاتی انسان عیان تر، عرصه‌های عرض نیاز روشن تر و اوج وابستگی وجود انسان به خداوند نمایان گر می‌شود.

از این رو با توجه به کارایی نیایش‌ها در تفسیر قرآن کریم، و بخصوص ادعیه صحیفه سجادیه به عنوان یک مجموعه منسجم از ادعیه، بسیار شایسته است با رویکردی جدید به بخشی از تفسیر روایی، با عنوان تفسیر نیایشی، از این ظرفیت بکر حداکثر بهره‌برداری انجام گیرد.

#### ORCID

Mohammad Hossein  
Bayat  
Zahra Madouye Zarei

 <http://orcid.org/0000-0002-7945-2880>

 <http://orcid.org/0000-00002-3367-6985>

## منابع

قرآن کریم.

صحیفه سجادیه.

ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد. (١٤١٩). تفسیر القرآن العظیم، تحقیق: اسعد محمد طیب، ج ٦، سوم، ریاض، مکتبه نزار مصطفی الباز.

ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی. (١٤٢٢). زاد المسیر فی علم التفسیر، تحقیق: عبدالرزاق مهدی، ج ٣، اول، بیروت، دار الکتب العربی.

ابن عطیه، عبدالحق بن غالب. (١٤٢٢). المحرر الوجیز فی تفسیر الکتب العزیز، تحقیق: عبدالسلام عبدالشافی محمد، ج ٤، اول، بیروت، دار الکتب العلمیه.

ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد. (١٤١٨). تفسیر الثعالبی المسمی بالجواهر الحسان فی تفسیر القرآن، ج ٤، اول، بیروت، دار إحياء التراث العربی.

خازن، علی بن محمد. (١٤١٥). تفسیر الخازن المسمی لباب التأویل فی معانی التنزیل، تصحیح: عبدالسلام محمد علی شاهین، ج ٣، اول، بیروت، دار الکتب العلمیه.

دارابی، محمد. (١٣٧٩). ریاض العارفین، اول، تهران، دار الاسوه للطباعه و النشر.

سمرقندی، نصر بن محمد. (١٤١٦). بحر العلوم، تحقیق: عمر عمروی، ج ٣، اول، بیروت، دار الفکر.

شاه عبدالعظیمی، حسین. (١٣٦٣). تفسیر اثنی عشری، ج ١١، اول، تهران، میقات.

شعبان، نبیل. (١٤١٠). المعانی الجلیه فی شرح الصحیفه، اول، الهدی و الرشاد.

شیرازی، سید محمد، (١٣٨٥). شرح الصحیفه السجادیه، نجف، نعمان.

صدیق حسن خان، محمد صدیق. (١٤٢٠). فتح البیان فی مقاصد القرآن، ج ٥، اول، بیروت، دار الکتب العلمیه.

طباطبایی، محمد حسین. (١٣٩٠). المیزان فی تفسیر القرآن، ج ١٧، دوم، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

طبرانی، سلیمان بن احمد. (٢٠٠٨). التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم، ج ٥، اول، اربد، دار الکتب الثقافی.

طبری، محمد بن جریر. (١٤١٢). جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ٢٢، اول، بیروت، دار المعرفه.

فاکر میبدی، محمد. (١٣٩٤). تفسیر نیایشی و ستایشی قرآن، اول، قم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی.

فخر رازی، محمد بن عمر. (١٤٢٠). التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، ج ٢٦، سوم، بیروت، دار إحياء التراث العربی.

نظام نیازهای انسان در پرتو تفسیر نیایشی آیه «انتم الفقراء» با ... بیات و مدوئی زارعی | ۲۷

- فهری، سید احمد. (۱۳۷۵). شرح و ترجمه صحیفه سجادیه، دوم، تهران، اسوه.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی. (۱۴۱۵). الصافی، تصحیح: حسین اعلمی، ج ۴، دوم، تهران، مکتبه الصدر.
- قرشی بنابی، علی اکبر. (۱۳۷۵). احسن الحدیث، ج ۹، دوم، تهران، بنیاد بعثت.
- قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا. (۱۳۶۸). تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۰، اول، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- قهپائی، بدیع الزمان. (۱۳۷۴). ریاض العابدین، اول، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مدنی شیرازی، سید علیخان. (۱۴۰۹). ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین (ع)، اول، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- مسعودی، عبدالهادی. (۱۳۹۵). تفسیر روایی جامع، ج اول، اول، قم، دارالحدیث.
- ممدوحی کرمانشاهی، حسن. (۱۳۸۳). شرحی بر دعاهای صحیفه سجادیه، شهود و شناخت، اول، قم، بوستان قم.

## References

- The Holy Quran.
- Al-Tarihi, Fakhreddin. (2008). *Bahrain Assembly*. Beirut: Al-Alami Press Institute. [in Arabic]
- Abbaszadeh, F. (2017). "Semiological examination of the value and negative relations of the elements of nature in the Qur'an based on layered semiotics". *Zehn*. No. 75. pp. 231 to 270. [in Persian]
- Azimifard, Fatemeh. (2012). *Descriptive culture of semiotics*. Tehran: Elmi.
- Abu Hayyan, Muhammad bin Yusuf. (1999). *Al-Bahr al-Musaqin in Al-Tafsir*. Sedghi Mohammad Jameel's research. Beirut: Dar al-Fakr. [in Arabic]
- Ahmadi, Babak. (2014). *From visual signs to text*. Central Tehran. [in Persian]
- Al-Isfahani, Al-Raghib. (2001). *Vocabulary of Quranic words*. Research by Adnan Davari, Damascus: Dar al-Qalam. [in Arabic]
- Alfirozabadi, Mohammad. (1999). *Encyclopaedia of the environment*. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [in Arabic]
- Al-Johari, Ismail. (2008). *Al-Sahah*. Cairo: Dar al-Hadith. [in Arabic]
- Blusher, Reggie. (1995). *At the threshold of the Qur'an*. Ramyar Mahmood. Tehran: Islamic culture. [in Persian]
- Chandler, Daniel. (2008). *Basics of semiotics*. Mehdi Parsa. Tehran: Surah Mehr.
- Echo, Umberto. (2015). *Semiotics*. Pirouz Ezadi, Tehran: Sales. [in Persian]
- Fakhr al-Razi, Muhammad bin Omar. (1999). *Mufatih al-Ghaib (Al-Tafsir al-Kabir)*. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [in Arabic]
- Ghaemini, Alireza. (2013). *Biology of the text (Semiology and interpretation of the Qur'an)*. Tehran: Research Institute of Islamic Culture and Thought.

- Girou, Pierre. (2012). *Semiotics*. Mohammad Nabavi. Tehran: Agah. [in Persian]
- Ibn Ashur, Muhammad Ibn Tahir. (N.D.). *Al-Tahrir va al-Tanvir*. Beirut: al-Tarikh Institution.
- Ibn Atiyah Andalusi, Abdul Haq bin Ghalib. (2001). *Al-Muhrarralujiz in Tafsir al-Kitab al-Aziz*. Abdul Salam Abdul Shafi. Beirut: Dar al-Kitab al-Elmieh. [in Arabic]
- Ibn Faris, Ahmad. (2001). *Dictionary of comparisons*. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [in Arabic]
- Ibn Manzoor (1987). *Arabic language*, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [in Arabic]
- Jeffrey, Arthur. (1993). *Words involved in the Holy Quran*. Badre'ei, Fereydoun. Tehran: Tous.
- Makarem Shirazi, Nasser. (1995). *Sample interpretation*. Tehran: Darul Kitab al-Islamiya.
- Mirzaei b. Sarafi M. Moin-al-Dini F. Copa F. (2011). "Structural-communicative model of Hadiqeh's story". *Textology of Persian literature*. Number 1, period 3. Pages 55 to 74.
- Nojournian, Amir Ali. (2014). *The sign at the threshold (inquiries in semiotics)*. Tehran: Now Publications. [in Persian]
- Qasim, Siza and Abu Zaid, Nasr Hamed. (2014). *Entrance to Al-Simiutiqa*. Cairo: Al-Tanvir.
- Sibiak, Thomas Albert. (2011). *An introduction to semiotics*. Mohsen Nobakht Tehran: Elmi. [in Persian]
- Safavi, Kourosh. (2014). *Getting to know the semiotics of literature*. Tehran: Elmi. [in Persian]
- Tabatabayi, Seyyed Mohammad Hossein. (1996). *Al-Mizan in Tafsir al-Qur'an*. Qom: The Islamic Publication Office of the Society of Teachers.
- Tabarsi, Fazl bin Hasan. (1993). *Majma al-Bayan in Tafsir al-Qur'an*. Research: Mohammad Javad Balaghi. Tehran: Nasser Khosrow.
- Tosan, Bernard. (2000). *Ma Hiya al-Semiologia*. Mohammad Nazif. Al-Dar al-Bayza: East Africa.
- Vaezzade Khorasani, Mohammad. (2001). *Al-Ma'jam in jurisprudence, the language of the Qur'an and rhetoric*, Mashhad: Institute of Al-Tabara Al-Astaneh Al-Razwiyyah Al-Maqdisah.

استناد به این مقاله: بیات، محمدحسین، مدونیه زارعی، زهرا. (۱۴۰۲). نظام نیازهای انسان در پرتو تفسیر نیایشی آیه «انتم الفقراء» با بهره‌گیری از نیایش‌های صحیفه سجاده، فصلنامه علمی پژوهش‌نامه معارف قرآنی، ۱۴(۵۲)، ۱-۲۸.

DOI: 10.22054/rjqk.2023.71430.2733



Quranic Knowledge Research is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.